تهیه و ترتیب کننده : انجینر سرور « صالح »
مورخ : ۲۵ فبروری ۲۰۱۳ میلادی

# مبارز صلح و تفاهم نیک ؛ مولانا استاد « سعید افغانی»

بیست و هشت سال قبل مطابق « ۲۵ فبروری ۱۹۸۵ میلادی » استاد بزرگوار مولانا سعید افغانی این عالم توانا ، شخصیت فرهنگی و اجتماعی کشور عزیز ما افغانستان، چشم از دنیای باقی بست و داعیه اجل را لبیک گفت، که به پاس مقام استادی و کارنامه های صلحخواهانه شان این کوشش ناچیزی خویش را تقدیم دوستان ، مخلصان و شاگردان شان مینمایم ، تا خاطرات فراموش ناشده استاد ؛ در قلوب همه ما باقی و جاویدان باشد .

محمد سعید ولد مولوی عبدالمجید ولد ملا سید امیر ولد صالح محمد ولد مولوی اقا محمد ولد شیر محمد ولد لنگر ولد پاینده محمد صافی ولد خیر الدین ولد عمر بابا است، که در سال « ۱۳۰۰ هجری شمسی مطابق « 1922 » میلادی در ده خیر آباد ، قریه عمرزئی ولایت لغمان چشم به جهان گشوده و منسوب به قوم « صافی یا ساپی » میباشد.

محمدسعید دوره علوم متداوله آن را که شامل : تفسیر ، حدیث، فقه ، اصول فقه ، اصول حدیث ، منطق ، بدیع ، بیان ، معانی ، تجوید ، صرف ، نحو ، فلسفه ، شرح جامی وغیره بود از پدر بزرگوارش غازی عبدالمجید « رحمة الله علیه» که از جمله « علما و مشایخ مشهور طریقه قادریه ، مجاهد را ستین ، مدرس و خطیب مسجد جامع تیگری ولایت لغمان بود » و دیگر روحانیون معظم از جمله هریک : ملا عبدالوکیل ، مولوی سید محمد ، مولوی عالم ، مولوی عبدالعزیز ، مولوی محمد عالم ، مولوی عبدالرحیم ، مولوی صاحب نوری و دیگران آموخت ، او مجتهد شد و افتخار شهرت لقب « ملا محمد سعید » را در منطقه آبائی خویش حاصل کرد .

ملا محمد سعید در سال « ۱۳۲۰ هجري شمسی » بنابر توجه پدرش ، غرض فراگیری علوم دینی به دارالعلوم کابل ، که یکی از مراکز مشهور دینی وقت در منطقه بود ، مراجعه نمود و بعد از سپری نمودن امتحان رسمی در صنف پنجم ان مدرسه شامل شد.

محمد سعید با اخذ شهادتنامه درجه اعلی و کسب لقب « مولوی » ، از دارالعلوم کابل فارغ التحصیل شد و بنابر استعداد خارق العاده و نمرات عالی که داشت ازجانب دانشمند قاری عبدالرسول مدیر مدرسه دارالعلوم عربی کابل و منظوری وزارت معارف وقت ، به حیث استاد « کادرعلمی » در آن مدرسه مقرر گردید .

مولوی سعید افغانی در سال ( ۱۳۲۸هجری) به حیث مدیر مدرسه دارالعلوم نجم المدارس ولایت ننگرهار که در قریب جوار مرقد مبارک علامه نجم الدین مشهور به « هده صاحب» شیخ طریقه قادریه موقعیت دارد و یکی از مشهور ترین مدرسه دینی آن وقت در افغانستان بود، مقرر گردید .

او برعلاوه پیشیبرد امور مدرسه نجم المدارس به کارهای فرهنگی، امامت وموعظه ای دینی و کار وسیع وطنی ؛ برای تنویر جامعه پرداخت و همچنان جریده قلمی را بنام « النجم » که بیشتر از نیم قرن قدامت تاریخی دارد ، با شعار« خدمت به مردم و وطن » تأسیس کرد و خود منحیث مدیر مسوول؛ کار نشراتی آنرا به پیش میبرد و حضرت خـــان شاگرد صنف دوازداهم آن وقت مدرسه به صفت معاون جریده با استاد همکاری داشت ، که مورد پروفیسور عبدالله بختانی « خدمتگار» در کتاب بنام ( د سولی او تفاهم د لیاري مبلغ دوکتور سعید افغانی ) چنین نوشته است :

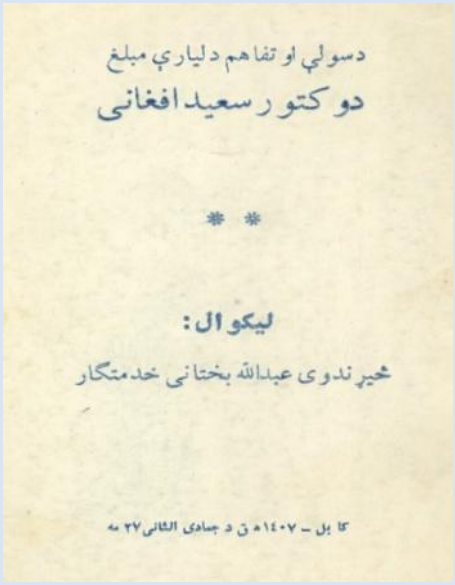

مولوی محمد سعید افغانی ، لس کاله د نجم المدارس د مدرسی مدیریت کړی او د ننګرهار اد بی شاعرانه ویښ چاپیر یال د هډی په تاریخی کلـی کښی او سیدلی دی ، چیرته چه د هیواد د مشهور عالم مولانا نجم الدین اخونزاده ( هډی صاحب ) مزار دی .

مولوی سعید افغانی د مدرسی شاګردان لیکوالی، شعراو ادب ته هم تشویقول او هغوی روزل . د د ه په توجه او پالنه به د ننګرهار د ورځپانی او مجلـی پانی د نجم المدارس د شاګردانو او استادانو په مقالو او شعرونو ډکیدلی . په دغه وخت کښی مولوی سعید افغانی د ( النجم ) په نامه ، د مدرسی لپاره ، په پښتو ژبه ، یوه اوه نیزه قلمی جریده هم چلوله چه مسولیت یی د ده په غاړه و .

د دی جریدی لو مړی ګڼه د( ۱۳۳۷ هجری شمسی ) کال د میزان په ۳۰ مه خپره شوی ده . دا ګڼه او ځینی نوری ګڼی یی هم دا اوس زمونږ په لاس کښی دی او د قلمی جریدو ډیر ه ښه بیلګه ده .

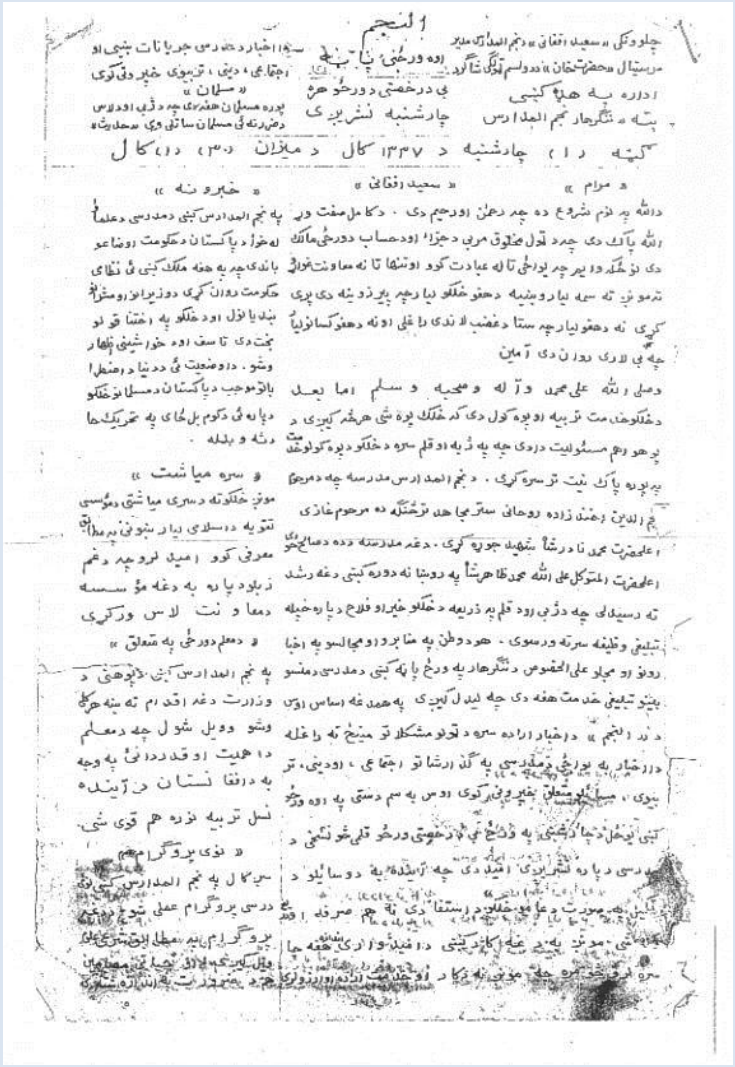

جریده « النجم » در داخل و خارج از مدرسه منحیث مدافع حقوق صنفی شاگردان ، استادان محبویت یافت و با حلقات فرهنگی مشرقی روابط تامین کرد و حتی محبوبیت این جریده تا

هره لیکنه د لیکوال خپل نظر دی او خپله دلیکوال اند ځرګندوی
استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم مولانا سعید افغانی » با ذکر مأخذ آن آزاد است

سرحدی رسیده است که آقای صدیق الله « ککړکي » شاگرد ان مدرسه شعری با احساس خویش را بنام « مبارک شه » به جریده فرستاد و در شماره چهارم جریده مورخ « ۲۱ عقرب سال ۱۳۳۷ ه ش » به نشر رسیده است .

## مبارک شه

دغـــه عـــزم او دا کـــار شـــه مبارک
د« النجم » دا اخبـار شـــه مبـــارک
چې غفلت ځینې راویښ قام او تبرکا
دا خـــدمت او داکـــردار شه مبارک
چې غرض پې داسلام لاره ښودل وي
يـــو قـــدم پدغـــه لار شه مبارک
د افکارو د روزنې درس به راکړي
هر یو درس یې په بار بار شه مبارک
پـــرکنو ته بـــه د علم رنـــا ورکړي
دا رنـــا او دا انـــوار شه مبـــارک
د ادب او اجتماع لار کـــي قدم دی
دا اقـــدام او دا رفتار شه مبادک
سعادت چې دخپل قام اوطن غواړي
د« سعید » دغـــه افکار شه مبارک
د« صدیق » دعاقبوله کړي ای خدایه
دغه سوال ستا په دربار شه مبارک

چهارشنبه د ۱۳۳۷ ه ش کال د لړم ۲۱ نیټه ، دهډي نجم المدارس

هره لیکنه د لیکوال خپل نظر دی او خپله دلیکوال اند ځرګندوی
استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم مولانا سعید افغانی » با ذکر مأخذ آن آزاد است

قابل تذکر است که دامنه فعالیت فرهنگی و اجتماعی استاد سعید افغانی روز به روز توسعه یافت و در موعظه ای دینی خویش از حقوق مردم و منافع وطن اشکارا دفاع میکرد که هجری شمسی ) در روز در مورد شادروان مولوی محمد هاشم « کامه وال » درسال ( ۱۳۶۳ فاتحه استاد مولانا سعید افغانی در مسجد جامع شیر پور شهر کابل ، صحبت عالمانه انجام داد و طی صحبت خویش در مورد علت تبدیلی استاد از مدیریت مدرسه دارالعلوم نجم المدارس ننگرهار ، قصه و چشم دیده خویش را چنین بیان کرد :

( ماه مبارک رمضان رسید و پادشاه وقت در جلال آباد بودند و در مسکن شاه « باغ کوکب » سرشته ختم کریم در اثنای نماز تراویح که در مذهب حنفی « رح » عبادت های مصنونه است گرفته شده بود ، در آن اشتراک ورزیدند .

مدیر صاحب نجم المدارس « مولوی سعید افغانی » با چند نفر استادان مدرسه نیز در آن ختم شرکت کرده بودند ، در شب اخیر ختم طوریکه تامل است سخنرانی های اجتماعی و موعظه دینی ایراد میگردد ، دوکتور صاحب فرصت را غنیمت دانسته بحضور پادشاه آیه قرآن کریم را تلاوت، ترجمه و تفسیر نمودند از اثر درد دل که با آمور وطن و بهبود آن برای بهبود اهل وطن داشتند به جرئت حق گوئی ضمناً خطاب به پادشاه گفت :

اگر چه در قانون اساسی ذکر گردیده که پادشاه شخصاً واجب الاحترام و غیر مسوول اند ، ایا شما فرمانی را صادر کرده اید و از علماً و خطباً خواهش کرده اید که به یادداشت کلمه بنده خدا «ج » در خطبه بشما دوعا بکنند و بنده شرعاً به نزد خالق رب العالمین مسوولیت داشته می باشد بلکه در ذهنیت عامه کافه ملت و رعیت نیز مسوولیتی دارید .

خواهش میکنم ؛ تا شخصاً نیز قبول زحمت فرموده به امور اداره عامه وطن توجه کرده و جلو خود سریهای بعضی مامورین بزرگ را بگیرید و ...

فردا آن مولوی صاحب را وزارت معارف خواسته و به حیث معلم مکتب ابتدائی در شهر کابل مقرر شدند و مولوی صاحب به صبر استقامت از این امر اطاعت کردند . )

استاد سعید افغانی بدون ترس از صدمه حاکمیت و قدرتمندان وقت، همواره به اداء رسالت و وظایف ایمانی و وجدانی پرداخته و برای تنویر اذهان ملت و خاصتا جوانان کشور در پهلوی کار های فرهنگی ، تنویری و خطابت ؛ جریده قلمی تحت نام « اخلاق » را در لیسه عالی حبیبه شهر کابل تآسیس و به دست نشر سپرد که محترم خلیل « زمر » خاطرات شان را تحت عنوان « یک معلم و یک رهنمائی خوب » چنین نوشته است :

( دقیق بیاد دارم که سال « ۱۳۴۱ هجری شمسی» بود و من در صنف دهم لیسه حبیبیه درس میخواندم . مردی بلند قامت ، با وقار و سنگین که دارای لباس منظم و پاک و تمیز بود ، یکجا با محترم محمد یعقوب سر معلم مکتب وارد صنف گردید و یعقوب خان موصوف را اینطور معرفی نمود :
او محمد سعید افغانی نام دارد و پس از این بشما مضمون تفسیر را تدریس خواهند نمود ، پس از این معرفی مختصر استاد سعید افغانی به تدریس آغاز نمود .
او با سایر معلمین علوم دینی که تا آن دوران من دیده بودم تفاوت کلی داشت ، موصوف شمرده و حساب شده حرف میزد ، با حوصله و با تمکین بود و در طول دو سالیکه او معلم بود یکروز هم حالت عصبانیت و بی موازنگی را از او ندیدیم .
استاد سعید افغانی یک معلم مهربان بود و به همه گونه سوالات شاگردان پاسخ میگفت و این حرفهای استاد تا کنون درگوشم طنین انداز است : دین اسلام ، دین اخوت و دین برادریست ؛ عفو و گذشت بر انتقام و خشونت در آن برتری دارد و.. ) .

سعید افغانی درسال « ۱۳۴۲» هجری شمسی مطابق « ۱۹۶۴ » میلادی غرض تحصیلات عالی به پوهنتون « الازهر » مصر اعزام گردید و در آنجا برعلاوه تحصیلات عالی ، به امور فرهنگی نیز مصروف شد و بحیث مسوول امور نشراتی « بخش افغانستان » در رادیو قاهره به معرفی کلتور مردم افغانستان و روابط تاریخی دو ملت « افغان و مصر» پر داخت و بعدآ به پاس خدمات شایسته شان در این عرصه به صفت امرشعبه نطاقان بخش پشتو « کبیرالموذ عین » در رادیو قاهره توظیف شد .

سعید افغانی برعلاوه اینکه درآموزش علوم ذکاوت خاصی داشت؛ شخصیتی« مهربان ، دلیری و شجاع » توام با عواطف و احساسات بشری، خیر خواه ، مردم دوست ، صلح و امنیت پسند، طرفدار سرسخت در مقاومت و دفاع از عقاید حقه اسلامی واقعی بود ، که بنابر این صفتش در شب حمله نظامی بالای کشور مصر۱۹۶۷ میلادی ، با قبول تمام خطرات حیاتی ؛ به رادیو قاهره رفت و برعلاوه نشرات پشتو، نشرات عربی رادیو قاهره را با « فصاحت زبان ، خلاقیت ژورنالستی و توضیحات عالمانه » فعال نگهداشت و از آنطریق مردم و قوای

مسلح را به نفع مردم مصر ، جهان اسلام ودولت فقید جمال عبدالناصر رئیس جمهور وقت جمهوری عربی مصر به اتحاد ، متانت و پایداری دعوت کرد که به پاس این شجاعت تاریخی شان از جانب فقید جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر رسمآ به حضور پذیرفته شده ومورد تمجید و ستایش شان قرار گرفت.

رئیس جمهور مصر ، با حضور داشت وزیر ارشاد و فرهنگ از شجاعت و دلیری سعید افغانی قدردانی کرده و چنین گفت : ( این ابتکار شجاعانه شما کارنامه های علامه سید جمال الدین افغانی را درخاطرات مردم مصر دوباره تازه ساخت ، فلهذا ؛ دولت مصر از شما علا مه دوم و از مردم افغانستان قلبآ ابراز سپاس مینماید . )
سعید افغانی در مقابل از حسن نظر و اخلاص جلالتماب فقید جمال عبد الناصر سپاس و تشکر کرده و بر روابط تاریخی بین مردمان دو کشور تاکید نمو د و همچنان جمال عبد الناصر به وزیرارشاد و فرهنگ اسلامی هدایت داد تا به پاس خدامات سعید افغانی و تحکیم هر چه بیشتر روابط مردم « مصر و افغانستان» ؛ دو جلد کتاب شان را بنام های :
« شیخ الاسلام عبدالله الانصاری الهروی و نابغهٔ ءالشرق السید جمالالدین الافغانی » چاپ نماید .

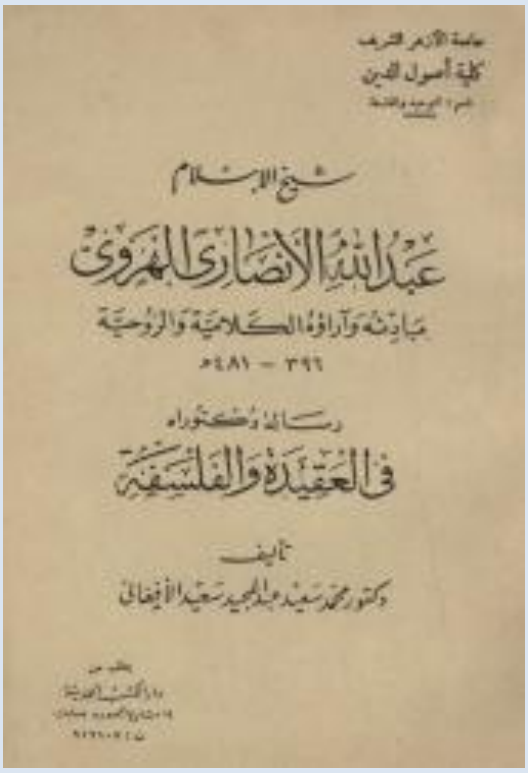

سعید افغانی بنابر ذکاوت و استعداد خارق العاده ئی که داشت، توانست در مدت کمتر از « پنج » سال اقامت خویش در کشور جمهوریه عربی مصر، برعلاوه لیسانس « اصول دین »، دیپلوم « ماستری » و دیپلوم « دوکتورا» راموفقانه در رشته « فلسفه و الهیات» از پوهنتون مشهور اسلامی جهان « جامعهٔ الازهرالشریف » بدست آورد ، با کمال افتخار و سربلند ی به وطن خویش عودت کرد و به صفت « استاد » دردارالمعلمین روښان « کابل » و بعدآ در پولتخنیک کابل به تدریس مضامین « تاریخ اسلام » پرداخت.

استاد سعید افغانی با لباس پاک و منظم « دریشی و نکتای » داخل صنف میشد و با نهایت صمیمت و اتوریته اکادمیک به تدریس میپرداخت و حتی علاقمندی محصلین باعث آن شده بود که خارج از درس ، از علمیت استاد مستفید شوند .
روزیهای داغ تابستان بود ، مبارزات سیاسی به اوج رسیده بود، یکتعداد محصلین انستیتوت پولی تخنیک کابل با اشتراک هریک : ظهور ، احمدشاه ، سرور و دیگران که اکنون نامهای شان به یادم نیست ، با استاد سعید افغانی در دیپارمنت « عـلوم اجتماعی » که خود امـر آن بود ، پیرامون وضع جاری وطن و منطقه جرو بحث کردیم .
استاد توضیحات عالمان ارایه کرد و تاکید میکرد که حسن تفاهم باید تقویت بخشیده شود و زمینه های باور واعتماد بین مردمان به وجود آید ؛ در آن وقت امکانات عملی بخاطر کامیابی وطن و مردم مساعد میگردد.

استاد گفت : نباید فراموش کرد که دین همه صالحین و وطنپرستان این است تا همیشه با ایمان راسخ ، با تقوای و پاکی و با راستگاری و توام با علمیت و عمل مترقی و خیرخواهانه ثابت سازند که برای خیر و سعادت انسان در این جاده های پر خم و پیچ راهی هستند و در آینده خواهند بود!

در غیر از آن شما جوانان شاهـد باشید ! که نه مردم وطن نه هم مردمان منطقه و جهانیان بالای فکر و عمل ما اعتماد و باور نخواهند کرد و آینده پر جنجال و تاریک در پیش روی همه قــرار خواهند گرفت ، که حل آن کار ساده و بسیط نخواهد بود !

دوکتور محمد سعید « سعید افغانی » به شخصیت انسان حرمت میگذاشت ، با همه با حوصله و فراخدلی برخورد میکرد ، اهل منطق و استدلال بود ، به محراب فضیلت وعلم احترام بی شایبه داشت و در اوج جاه وجلال به تواضع زیست و منحیث فرزند صالح وطن وبمثابه محقق پرتلاش و حقیقت جو ، بعد از غور و بررسی همه جانبه اوضاع سیاسی و اجتماعي وطن بخاطر ایجاد یک « جبهه متحد ملی » شعار زیرا :

« دین هرعالم ، هرشخصیت مذهبی، هر وطنپرست و هرانسان صادق آنست که تمام قدرت، استعداد و دانش خود را وقف مبارزه بخاطر آزادی ملی و اجتماعی ، بخاطر صلح و امنیت بشریت نماید . »

مطرح کرد و جهت تحقق آن به مبارزه صنفی همچنان در جمع جنبشهـای دموکراتیک استادان پوهنتون کابل و محصلان (۱۹۷۲م مطابق ۱۳۵۱ هجری شمسی ) پرداخت و به همکاری هریک : استاد فضل الربی پژواک، دوکتورمحمداحسان روستامل ، پوهاند علـی محمد زهما و عده یی دیگری از استادان ، طرح هسته گذاری اتحادیه استادان افغانستان را تکمیل نموده و در اولین جلسه مؤسسان افتخارآن را در یافت تا به نمایندگی از انستیتوت پّو لی تخنیک کابل به عضویت رهبری شورای مرکزی و متعاقباً به صفت معاون شورای مرکزی آن اتحادیه انتخاب گردد.
در مورد استاد سرفراز « مومند » چنین نوشته است :

« جلسی روانی وې ، تضادونه عمیق کیدل او بالاخره یوه جلسه دومره هیجانی شوه چی نژدی وه چی د استادانو اتحادیه چی د استادانو د صنفی ګټو یوا ځنی ر ښتنی مدافع وه جوړه نشی او غونډه ړنګه شی او دغه کلاس حق او دیموکراتیک غوښتنه په ځای پاتی شی .

درست په دغه لحظه کی استاد سعید افغانی چی د پولیتخنیک د بی
طرفه استادانو څخه ؤ او د پو هنتون اکثر ه استادانو کی د تاکلی احترام څخه بر خورداره ؤ ،
یوه ثابته بیانه ایراده کړه ، استادان یی اتحاد او اتفاق ته را وبلل ، صنفی هدفونه
او سیاسی هدفونه یی لنډ توصیح کړل ، هیله یی وکړه چی صنفی غوښتنی د سیاسی
غوښتنو څخه بیلی کړی ، استادان یی په ډیر ارام او متانت سره دغه عظیم مسوولیت ته
متوجه کړل چی که دا اتحادیه جوړه نشی نو یوه نه بخښونکی تاریخی اشتباه به مو
کړی وی او راتلونکی به په مونږ لعنت وایی ..

قابل تذکر است که اتحادیه محصلان و استادان رنگ و رونق گرفت واستاد سعید افغانی با تفاهم و همکاری یک تعداد استادان بیطرف در تلاش بود تا این اتحادیه را از انحراف و لغزش نجات دهد ، که در مورد محترم محقق م . ح . بارق « شفعیی » خاطرات شان را بنام « خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود » چنین نوشته است :

( دکتور سعید افغانی می کوشید اتحادیه را از سوائب لغزش به « چپ » و « راست » به دور نگهدارد ، که الحق در آن گیرودار کار آسانی نبود ، مع هذا ؛ اتحادیه در مسایل سیاسی به صورت محسوسی از مرکز به طرف « چپ » اتخاذ موضوع میکرد و این یکی از عواملی محبوبیت بیشتر استاد سعید افغانی در نهضت ملی و دموکراتیک کشور بود ، در عین حال او میکوشید با استفاده از این تجربه در زمینه وسیعتری ، این اشتراک مساعی در بین نیروهای سیاسی دارای تمایلات گوناگون را ، با تجربه به نقاط مشترک در اهداف عمومی شان ، به اشتراک در یک جبهه متحد دموکراتیک و ملی در معرض آزمایش قرار دهد، ولی اتحاد ملی به زمینه و یا زمینه های عینی مبارزات متحد ملی ضرورت داشت و.... )

همچنان محترم داکتر سید خلیل الله « هاشمیان » در مضمون تحت عنوان « شناخت من از مرحوم پوهاند دکتور سعید افغانی » چنین نوشته است :

صحبتها ودیدارهای بعدی من با پوهاند داکتر سعیدافغانی پیرامون اتحادیه استادان پوهنتون بود که اکثر اوقات مرحوم پوهاند فضل ربی « پژواک » نیر حاضر میبود. درین صحبتها ما با هم بسیار نزدیک شدیم زیرا نظرات مشابه داشتیم .
پوهاند سعید افغانی یک شخصیت اکادمیک بود و در آنزمان که جنگهای ایدیالوژیکی یگانه کانون علوم افغانستا ن - پوهنتون را تهدید بسقوط میکرد، سعیدافغانی برای نجات این موسسه خدمات قابل قدر انجام داده است .
پوهاند سعید افغانی از حمایت اسلام گرایان برخوردار بود، ولی ؛ با منطق قوی که داشت کمونستها و چپگرایان راهمیشه قناعت میداد و زمینه تفاهم را با آنها میسر میساخت که در اثر همین نوع میانجیگریها اتحادیه استادان پوهنتون ساخته شد.

استاد سعید افغانی قلم توانا داشت؛ او با نوشتن بیشتر از« سی و هفت » جلد کتب و بیشتر از « یکنیم هزار عنوان مقاله و مضمون » به زبانهای « پشتو ، دری و عربی » البته چه در بخش فلسفه ؛ چه هم در دنیا ی تصوف و چه هم در عالم اجتماعیات !
آرزو داشت تا بشریت را از در خشش حقایق آگاه سازد ، که از جمله نوشته هایش ؛ کتاب بنام « خطر جنگ هستوی و الاشارات و التنبهات ابن سینا » جایزه بین المللی هزارمین سال تولد ابوعلی سینا نابغه شرق ، شامل « مدال طلائی و پول نقدی » را بدست آورد .

**ضمناً باید خاطر نشان ساخت که در مورد فعالیت فرهنگی استاد سعید افغانی ، محترم سر محقق عبدالله بختانی « خدمتگار » چنین نوشته است :**

دوکتور مولوی سعید افغاني ، د خپلی لیکوالی په څلو ېښت کلنه دوره کښی ، په پښتو ، دری او عربي ژبو ګڼ شمیر مقالی لیکي دی ، پخپله ده ، دخپلو کتابو شمیر « وه دیرش» او مقالو شمیر له « یونیم زورونه » زیات تخمین کړی دی .
هغه یو ملي ، مترقي ، مذهبي شخصیت و چه تل د خلکو او اولس د ضرورت غوښتنو د ملاتړ په لیکو کښی دریدلي دی .

په زلمیتوب کښی یی د ویښ زلمیانو له هدفونو څخه روحیه اخستی او دهغو ننګه یی کړی ده .
په سفر کښی یی د خپل هیواد تاریخي او فرهنګي ویاړنی نورو اولسونو ته معرفي کړی دی .
د ژوندانه د پو خوالي په عمر یی د هیواد د خلکو د ملی دموکراتیک غور زنک ملاتړ کړی دی او د دین د حقیقتونو د ځرګندولو په ذریعه یی هغه ارتجاعي دسیسي افشا ء او شنډی کړی چه زمونږ د خلکو ، وطن او نهضت په ضد وی .

د ژوند د پای په کلونو کښی یی د سراسری سولي او امنیت او ملي روغي جوړي د تامین لپاره یی هڅه کوله ، په هیـواد او نړی کښی یی سوله او تفاهم غوښت او کاریی ورته کاوه ...

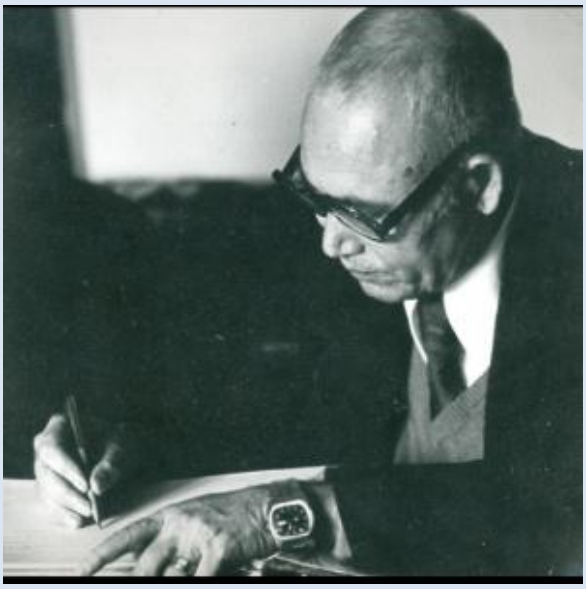

استاد سعید افغانی که در فلسفه و الهیات « دوکتورا » داشت و در تصوف از راه و روش خواجه عبدالله « انصاری » و در سیاست از افکار علامه سعید جمال الدین « افغانی » پیروی میکرد ، خود با شعار « صلح و آرامش و تفاهم نیک » که به خیر و سعادت عالم بشریت است ؛ به مجاهدت خویش تا آخرین رمق حیات آدامه داد و « حسن تفاهم ، تعقل و تدبیر نیک و منطقی و استدلال حقـیقی » را نخسه اصلی ، توسل به این آرمان خود ، اعلان کرد و گفت :

ضرورت هر عصر و زمان ایجاب میکند که همـه اقشار و انسانها ی اگاه در تدارک پیوند رشته های قطـع شده ودر بمیان آوردن فرصت مساعد برای تحقق صلـح و آرامش متـــحد شوند .

بنآ ؛ وظیفه رجال صالح است که یک دقیقه و ثانیه هـم فرصت را از دست نه دهند بلکه هر چه سریعتر زمینه و وسایل حسن تفاهم را بکار انداخته و در راه صلح و آرامش کار و خدمت خویش را تشدید بخشند.

استاد سعید افغانی مشکل اساسی درد « ملت و وطن » را با نوشتن کتاب بنام « طبیب بگو مرض من چه و چاره ام چیست ؟ » مورد تحقیق ، تحلیل و تجزیه قرار داد ، که در فصل هشتم آن چنین نوشته است :

من باور کـامل دارم : در صورتیکه امراض اجتماعی به شکل « عالمانه ، منطقی » و توام با صداقت و ایمانداری و به اساس لـوایح و ظوابط از جانب متخصصین امور « تشخیص » گردد و بخاطر « معالجه » آن ، برای هر « درد و مرض » نسخه و ادویه مشخص داده شود ، در آن صورت امکان آن موجود است تا در وقت کم این امراض تداوی و باعث سعادت و نیکبختی خواهد شد .
و اگر این امراض دقیق تشخیص نگردد و در معالجه آن بهانه ها و مشکلات قلمداد شود ، در آن صورت به امراض مزمن و خطرناک تبدیل شده ؛ با وجود اینکه به همه سرایت میکند ، باعث تباهی و هلاکت خواهد شد !!!

پس ؛ اگر به مردم خویش واقعآ متوجه گردیم ، بالای زخمهای شان مرحم گزاریم و آنها را با یک دیگر پیوند ساخته و حدت دهیم ، و همچنان اگر مردم را قلبآ امیدوار و وادار فعالیت سازیم و ازنظر مردم وبه فکر مردم بالای مردم قدرتها را از خود مردم ، بمیان آریم ؛ آن وقت است که باید گفت : « مشکلی نیست که آسان نشود » !! در غیر از آن ، به کمال تاسف در اختتام هم باید گفت : وضع موجوده وطن رقت انگیز است و خطر توفان تباهی با وحشت ، نزدیک همه میشود !! که در آن وقت ؛ چاره اعلاج امراض اجتماعی ، به مشکلات مواجه خواهند شد و از جانب هم کدام طبیبی واقعی یافت نخواهد شد ، که برایش بگویم : طبیب بگو مرض من چه و چاره ام چیست ؟

محترم مولوی غلام سرور « منظور » که بعد از وفات استاد سعید افغانی به مقام ریاست علما و روحانیون افغانستان افتخار تقرر یافت ، در نوشته تحت عنوان « اروابناد مولانا سعید افغاني، او دهغه ټولنیز شخصیت » چنین نوشته است :
ډاکتر صاحب عالم وو ، او عالمان ور باندی ډیر سخت ګران وه، او عالمانو ته به یی همیشه داسي خطاب کاوه : « چې سوله تبلیغ کړی ، ورور ګلوی تبلیغ کړی ، د انسان انسانی کرامت تبلیغ کړی ، فقر ، فلاکت ، دربدری ، بی عدالتي ، لوږه ، بی کوري او اجتماعي مظالم چې اصلآ د اسلام مبین دین یی په کلکه غند نه کوی، د اسلام له نظره و څیړی او اضرار یی ټولو مسلمانو او زیارایستونکو هیواد والو ته ، روښانه کړی .»

محترم مولوی محمد هاشم « کامه وال » در روز فاتحه استاد ، مورخ « ۲۷ فبروری ۱۹۸۵ میلادی » منعقده در مسجد جامع شیرپور ـ شهر کابل ، چنین فرمودند :

(من جناب دوکتور صاحب را عمیقآ معرفت داشتم ، دوکتور صاحب شخصیت جامع الکمالاتی بود ، مردم جهان از سابق تا حال به دو دسته تقسیم شده اند برخی ازهدایات و نصائح حضرات انبیآ عظام پیروی می کنند و برخی دیگر از افکار طبقه فلاسفه .

از نگاه فلسفه انسان در آخرین مرحله تکاملی جسم طبعی موقعیت دارد و دربدو آفرینش خود دارند ، عقل در مرتبه هیولایی شده بعدآ به تدریج به قوه مرتبه عقل عدم بالمللکه ( تحصیل مجول به استفاده از علوم می رسد ) و کسیکه به مرحله نهائی این مرتبه عقلی برسد اورا صاحب قوه قدسیه می نامند که اکثر حقایق اشیا نیز دراو معلوم و مشعر بالفعل می باشد .
دوکتور صاحب سعید افغانی ؛ صاحب قوه قدسیه بود ؛ از نفس خویش برآ مده و گذشته بود، دائمآ در فکر حصول سعادت و آرامی برای کافه بشریت علی الخصوص برای اهل اسلام و اهل وطن محبوب خود بود که از تالیفات و آثار او چه در فلسفه چه در تصوف و چه در اجتماعیات به درجه وضوع ثابت است .)

استاد سعید افغانی تا آخرین رمق حیات خویش قلم و کاغذ را رها نکرد و حتی در بستر مریض که با مرگ و زندگی دوست و پنجه نرم میکرد ، در راه « حسن خیر و سعادت بشریت» نوشت ، که در مورد محترم انجینر رحیم « یوسفی » یکتن از شاگردان و مخلصان ؛ استاد بزرگوار، چنین نوشته است :

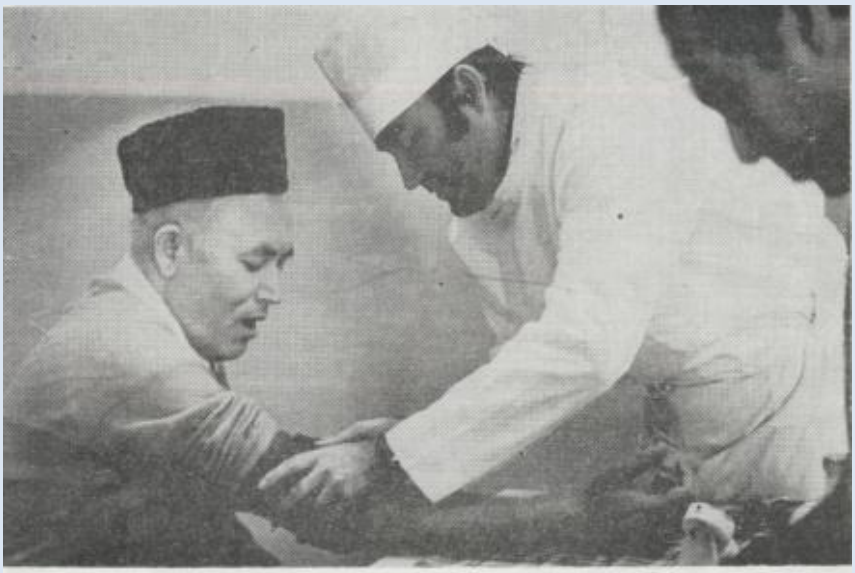

دوکتور سعید افغانی دناروغی په بستر کښی

« د کابل په دولتي مطبعه کې د ده وروستي کتاب د چاپ لاندې وۀ « ۲۷» کاله تیر شوې، ما د دغه کتاب عنوان هیر کړې دې . یو دوه و رځې و روسته ډاکتر صاحب تیلفون وکړ تر څو د کتاب پروف د ځانه سره د تصحیح لپاره دغه روغتون ته یوسم او هغه دواړه تصحیح کړو .

زه د څلورسوه بسترایز روغتون دریم منزل ته وختم د وخت څلورسوه بسترایز روغتون چهارایز قوماندان داکتر ولایت حبیبي چې زما په ګومان د قلب یا د زړه د ناروغي متخصص به وۀ د ده په دروازه کې ولاړو و د ږوغیرنه وروسته ئې راته وویل :

ډیر تک او راتګ مه کوې، د اسړي د مرګ مریض دې شاید ډیر وخت به یې هم نه وې !! ما ورته کړل چې : پوښتنه خو لاځه چې ما د هغه د نوې کتاب پروف ورته راوړې تر څو هغه تصحیح کړو. ډاکتر حبیبي زما په خبره و خندل او راځخه ولاړ خو دومره ئې وویل چې : که دا سړې نه میرکیږې، خو بیا هم ځان وژنې !

زه د ډاکتر سعیدافغانئ د بستر کوټې ته داخل شوم ، دهغه په سینې پورې مزې تړلې او ماشین چالان وۀ چې ما ورسره دهغه د نوی کتاب پروف ولوستل او تړې را رخصت شوم .

زه لا دفتر ته نه وم رسیدلې چې حضرت عزرائیل « ع » د ده روح قبض او د د دې فاني دونیا څخه ئې د « ۶۳ » کلونو په عمر رحلت کړې وۀ .

استاد سعید افغانی که به تاریخ « اول حوت ۱۳۶۳هجری » د چار حمله قلبی شده بود ، به بتاریخ « هفت حوت ۱۳۶۳ هجری شمسی » مطابق « ۲۵ فبروری سال ۱۹۸۵ میلادی » ساعت دو بعد از ظهر ، روز دوشنبه به عمر شصت و سه « ۶۳ » سالگی ضربان قلب مهربانش در حالیکه کتاب جدیدش را اصلاح میکرد ، از حرکت باز ماند و درشفاخانه اکادمی علوم طبی ، داعی اجل را لبیک گفت و بعالم جاودانی شتافت.

جنازه استاد سعید افغانی بتاریخ « ۲۶ فبروری ۱۹۸۵ » با مراسم خاص از مکروریون سوم ، شهر کابل توام با اشتراک صدها تن « علما ، روحانیون ، دانشمندان ، بزرگان حکومت ، مخلصین ، شاگردان ، دوستان و اقارب » شان برداشته شد ، در مسجد جامع پل خشتی شهرکابل نماز جنازه اداء گردید و مطابق وصیت شان در جوار مرقد حضرت تمیم الانصار « رح » در شهدای صالحین به خاک سپرده شد .

« انا لله و انا الیه را جعون »

استاد بزرگوار ! روحت شاد و یاددت گرامی باد !!
از درگاه الهی ؛ استدعا دارم تا با فضل و رحمت خویش ، جنت فردوس را نصیبت بگرداند و صلح و آرامش را که آرزوی دیرنت بود ، نصیب مردم عزیز ، وطن محبوب ما افغانستان و جهان گردد .

امین یا رب العالمین

انجینر سرور « صالح »

## ماخذ و منابع :


ـ د سولی او تفاهم د لیاری مبلغ دوکتور مولوی محمد سعید افغانی : نوشته سر محقق عبدالله خدمتگار بختانی
ـ ویرنې : نوشته سر محقق عبدالله خدمتگار « بختانی »
ـ جراید النجم : موسس مولوی سعید افغانی
ـ اندرزهای دری : نوشته استاد سعید افغانی
ـ تذکر مختصر در باره شخصیت الحاج دوکتور سعید افغانی : نوشته مرحوم مولوی محمد هاشم « کامه وال»
ـ خـوش درخشید ولی دولت مستعجل بود : نوشته محقق م . ح . بارق « شفعیی »
ـ ششمین سال وفات شخصیت فرزانه سعید افغانی : نوشته سر محقق محمد صدیق « سیلانی »
ـ اروابناد مولانا سعید افـغانی اودهغه ټولنیز شخصیت : مولوی غلام سرور « منظور »
ـ په وطن مین یو ستر استاد : نوشته پوهاند داکتر محمد قاسم « جمدر »
ـ د سولی او ټولنیز عدالت دلاری پیژندل شوی شخصیت : نوشته شاه محمود « حصین »
ـ مبارز راه صلح و تفاهم : ارگان نشراتی د حق لاره .
ـ سوله او تفاهم د سعید افغانی له نظره : نوشته محمد رحیم « یوسفی »
ـ استاد سعید افغانی محقق پر تلاش و هم مبارز راه صلح و آزادی : نوشته ولی « فنی»
ـ یک معلم و یک رهنمای خوب : نوشته خلیل « زمر »
ـ استاد افغانی د علم او فرهنگ دلاری یو تلپاتی نوم : شماره ۴۸ مورخ ۱۳۶۹ روزنامه پیام .
ـ مرحوم استاد سعید افغانی : شماره ۳۱ مورخ ۱۳۶۹ جریده الاسلام.
ـ د سولی مبارز : ارگان نشراتی د حق لاره .
ـ زما ژوند : نوشته استاد سعید افغانی
ـ طبیب بگو مرض من چه و چاره ام چیست ؟ : نوشته استاد سعید افغانی





هره لیکنه د لیکوال خپل نظر دی او خپله دلیکوال اند خُرگندوی
استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم مولانا سعید افغانی » با ذکر مأخذ آن آزاد است